

• (الصلاة على آل محمد الأئمة والمهدين (عليهم السلام) وموقع فاطمة (عليها السلام) منها) ..

صلوات بر آل محمد أئمه و مهديين (عليهم السلام) و جاىگاه فاطمه (عليها السلام) در آن

قال تعالى: (إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا)⁽¹⁾، اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً، ربما هذه الصلوات لا تعجب البعض اليوم، كما لم تعجب من سبقهم الصلوات التي أوضحها رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) لأئمة له لما كانت ممتحنة بآل محمد (الأئمة) في أول زمان الإسلام.

خدای متعال می فرماید: «(خدا و فرشتگانش بر پیامبر صلوات می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او صلوات فرستید و سلام کنید و کاملاً تسلیم او باشید)»². «اللهم صل على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً». امروزه چه بسا عده‌ای این صلوات را نپسندند، همان طور که کسانی که پیش از آنها بودند نیز صلواتی که رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) برای امتش بیان کرده بود را خوش نداشتند؛ زیرا در زمان صدر اسلام، امت به وسیله‌ی آل محمد (ائمه) مورد امتحان و آزمایش قرار می گرفت.

ورغم أن النبي الأعظم (صلى الله عليه وآله وسلم) قد بين لهم حتى كيفية الصلاة عليه، ونهاهم عن الصلاة البتراء، إذ قال (صلى الله عليه وآله وسلم): (لا تصلوا علي الصلاة البتراء، فقالوا: وما الصلاة البتراء؟ قال: تقولون اللهم صل على محمد وتمسكون، بل قولوا: اللهم صل على محمد وعلى آل محمد)⁽³⁾، نجدهم يتعمدون ترك ذكر الآل كما هو الشائع عند أهل السنة وخصوصاً الوهابية، أو إضافة من شاءوا من الأزواج والصحابة بل حتى الصحابة أجمعين بما فيهم شارب الخمر والمنافق والزاني والقاتل

1. الاحزاب: 56.

2 - احزاب: 56.

3. الغدير للاميني: ج2 ص303، الصواعق المحرقة لابن حجر: ص146.

والمقتول ، وكأثمهم - سبحان الله - يصروا على مخالفة أمره وبيانه صلى الله عليه وآله (وسلم).

اگر چه پیامبر اعظم (صلى الله عليه وآله وسلم) حتى کیفیت صلوات فرستادن بر خود را برای ایشان بیان فرموده و آنها را از «صلوات بتراء» (ناقص و بریده) نهی کرده و فرموده است: «(صلوات ناقص بر من نفرستید! پرسیدند: صلوات ناقص چیست؟ فرمود: این که بگویند خدایا بر محمد درود بفرست و سپس ادامه ندهید؛ بلکه بگویند خدایا صلوات فرست بر محمد و بر خاندان محمد)»^۴. با این حال برخی از آنها ذکر خاندان (آل) را عمداً و عامداً ترک می کنند. این عمل نزد اهل سنت و به ویژه وهابی ها شایع است. یا افراد دل بخواه خود، از همسران و اصحاب پیامبر و بلکه تمام صحابه که در میان آنها شراب خوار، منافق، زناکار، قاتل و مقتول بود را نیز به صلوات اضافه می کنند. سبحان الله! گویی آنها بر مخالفت با فرمان و سخن حضرت رسول (صلى الله عليه وآله وسلم) سرسختانه اصرار دارند.

وأما شيعة المراجع اليوم فهم أيضاً يريدون إضافة ما يحلو لهم إلى الصلوات، بل راحوا يتفقون أتباعهم في أنهم ينبغي عليهم الصلاة عند ذكر أسماء قاداتهم وكبرائهم، وهو الآخر أمر معروف لا يكاد ينكر.

شیعه‌ی مراجع امروزی نیز مایلند آنچه را که خود می پسندند به صلوات اضافه کنند. حتی پیروان خود را با این فرهنگ بارمی آورند که شایسته است وقتی اسم رهبران و بزرگانشان به میان می آید بر رهبرانشان صلوات بفرستند؛ اکنون این رویه به معروفی انکارناپذیر، تبدیل شده است!

إن الصلاة على محمد وآله الكرام تبقى واعظاً حياً مستمراً، يشهد على جفاء هذه الأمة في أول زمان الإسلام وآخره الذي نعيشه، كيف والمسلمون جميعاً لا يفقهون حتى معنى هذه الصلاة فضلاً عن أن آل محمد (عليهم السلام) مغيبون عن واقع من يدعي الإسلام مطلقاً، بل يترفع السني الشيعي عن الرواية عنهم بعد أن روى حتى عن قتلة أمير المؤمنين (عليه السلام)، ويترفع الشيعي المرجعي عن الأخذ برواياتهم أو الأخذ بما يعجبه منها ويخدمه فقط، وإلا من أين أتينا نحن بروايات المهديين وكل ما يرتبط بالمهدي الاوّل تحديداً من عشرات الروايات في أمهات كتب الشيعة، أليس من آل محمد (عليهم السلام) ؟ إذن، ما بالهم يستهزئون بها إن كانوا فعلاً شيعة لهم؟!

صلوات بر محمد و خاندان گرامی آن حضرت، واعظی زنده و همیشگی است که بر جفای این امت در صدر اسلام و همچنین روزهایی که ما در آن زندگی می کنیم گواهی می دهد. حال چه طور است که تمام مسلمانان حتی معنای این صلوات را نمی دانند جدا از این حقیقت که خاندان محمد (عليهم السلام) در واقع از نظر کسی که مدعی اسلام می باشد، به طور کامل غائب است؛ سنی شیخی که حتی از قاتلان امیرالمؤمنین (عليه السلام) روایت نقل می کند، از بیان روایت اهل بیت (عليهم

(السلام پرهیز می‌کند. شیعه‌ی مرجع‌گرای امروز نیز از به کارگیری روایات آنها پرهیز می‌کند؛ و یا فقط آن چیزهایی را که مورد پسندش است و در راستای اهداف و امیال او می‌باشد به دست می‌گیرد. در غیر این صورت، ما روایات مربوط به مهدیین و به ویژه هر آنچه به مهدی اول مربوط می‌شود که از ده‌ها روایت موجود در کتاب‌های اصلی شیعه نقل کرده‌ایم را از کجا آورده‌ایم؟! آیا اینها از آل محمد (علیهم السلام) نیست؟ اگر آنها واقعاً شیعه‌ی آل محمد (علیهم السلام) هستند پس چرا با تمسخر و استهزا با آن برخورد می‌کنند؟!)

وعلى أي حال، يشكل البعض علينا ويقول: لماذا تخصصون الأئمة والمهديين بالذكر في الصلاة، وهذا التخصيص يمنع عن التعميم وشمول الصلاة لفاطمة عليها (السلام مع أنها من آل الأظهر).

به هر حال، برخی بر ما اشکال می‌گیرند و می‌گویند: چرا در صلوات، اختصاصاً ائمه و مهدیین را یاد می‌کنید و حال آن که این تخصیص مانع از تعمیم و شمول حضرت فاطمه (علیها السلام) که جزو خاندان طاهرین است می‌شود.

وفي هذا كنت قد سألت العبد الصالح (عليه السلام)، فقلت: هل يمنع التخصيص في الصلاة على الأئمة والمهديين من أن يشمل فاطمة (عليها السلام).

در این مورد از عبد صالح (علیه السلام) سؤال کردم و گفتم: آیا تخصیص در صلوات بر ائمه و مهدیین، مانع از شمول فاطمه (علیها السلام) است؟

فأجابني (عليه السلام): (التخصيص لا يمنع التعميم، ولم نقل لأحد هذه هي الصيغة وغيرها لا يجوز بل في المتشابهات كتبت الصلاة بصورة أخرى، وإنما هنا نحن نخصص لنثبت حقاً يريدون هؤلاء الشياطين تضييعه، وهو حق خلفاء الله في أرضه من الأئمة والمهديين، وفي الأدعية خصص الأئمة (عليهم السلام) (5)، فهل أن الأئمة أخطأوا بالتخصيص، وحاشاهم؟!).

ایشان (علیه السلام) پاسخ دادند: «تخصیص مانع از تعمیم نیست و ما به کسی نگفته‌ایم که فقط این روش درست است و غیر از آن جایز نمی‌باشد؛ بلکه در کتاب متشابهات، صلوات به گونه‌ای دیگر را نیز بیان کرده‌ایم. ما در اینجا از آن رو چنین تخصیصی به کار می‌بریم که می‌خواهیم حقی

⁵ في كثير من الادعية والصلوات خصص الأئمة (عليهم السلام)، وعلى سبيل المثال صلوات عصر الجمعة كما رواها الشيخ عباس القمي عن السيد ابن طاووس، انظر: مفاتيح الجنان/ أعمال عصر يوم الجمعة.

را که این شیاطین، به دنبال ضایع کردن آن هستند را اثبات کنیم؛ و آن حق جانشینان الهی از ائمه و مهدیین (علیهم السلام) بر زمین است. در ادعیه نیز ائمه تخصیص داده‌اند.^۶ آیا می‌شود گفت که ائمه در تخصیص اشتباه کرده‌اند؟! هرگز چنین نیست!».

* * *

۶ - در بسیاری از ادعیه و صلوات‌ها، ائمه (علیهم السلام) تخصیص یافته‌اند. یک نمونه آن صلوات عصر جمعه است که شیخ عباس قمی از سید ابن طاووس روایت نموده است. نگاه کنید به مفاتیح الجنان، اعمال عصر روز جمعه.